

به نام آرام بخش دلها

«تربیت مبتنی بر ادب»

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «هفت سال به بچه ولایت داده می‌شود و هفت سال تأدیب می‌شود و هفت سال به کار گرفته می‌شود و نهایت بلندی قد او در بیست و سه سالگی است و نهایت عقلش در سی و پنج سالگی و آنچه پس از آن هست بر اثر تجربه‌هاست.» منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)؛ ج ۲۶؛ ص ۸۴۷؛ باب ۶۱ تربیت کودک.

• ضرورت و اهمیت ادب در زندگی:

۱. شرافت و کرامت انسان به ادب اوست.

- اکرم حسبِ حَسَنِ الْأَدَبِ.

- اشرف حسبِ حَسَنِ الْأَدَبِ.

۲. اصل و نسب انسان به میزان ادب اوست.

- نَعَمَ النَّسَبِ حَسَنِ الْأَدَبِ.

- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ.

۳. ادب بهترین همنشین انسان است.

- حَسَنُ الْأَدَبِ أَفْضَلُ قَرِينٍ.

۴. ادب، اخلاق را نیکو می‌گرداند.

- سَبَبُ تَرْكِيهِ الْأَخْلَاقِ حُسْنُ الْأَدَبِ.

با ادب باش که سرمایه خوبان

راحت روح زنان، زینت مردان ادب است

ادب است

۵. قوام انسان به ادب است و به حلم و بردباری زینت می‌یابد.

- أَنْتَ مَقْوَمٌ بِأَدَبِكَ، فَرِيْنَةٌ بِالْحَلْمِ.

۶. ادب موجب نورانیت عقل و زینت آن است.

- الْأَدَبُ صَوْرَةُ الْعَقْلِ.

- حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ.

- حُسْنُ الْأَدَبِ دَلِيلٌ عَلَى صِحَّةِ الْعَقْلِ.

۷. ادب بارورکننده عقل و برافروزنده قلب است.

- الْأَدَبُ هُوَ لِقَاحُ الْعَقْلِ وَ ذِكَاةُ الْقَلْبِ.

شرف و منزلت مرد سخندان ادب

از احادیث و روایات به ما شد معلوم

است

ادب ادب

- اصول ادب آموزی: ما و فرزندانمان چگونه به آداب مؤدب می شویم؟

۱. دعا

از خدا خواهیم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف رب

... اللَّهُمَّ وَجِّهْنِي لِلْخَيْرِ وَ يَسِّرْ لِي لَهُ وَ اعِنِّي عَلَيْهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِهِ وَ ارزُقْنِي حُسْنَ الْأَدَبِ فِيمَا تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ فِيهِ...

خدایا! مرا متوجه انجام کارهای خیر و نیکو کن و انجام آنها را برای من آسان گردان و در انجام آنها مرا یاری کن، و مرا نیز از اهل خیر قرار داده حسن ادب را نصیب من قرار ده آنچنان که به واسطه آنها توجه به تو داشته باشم.

۲. لازمه ادب آموزی، کسب آگاهی از آداب و نیز نتیجه مراقبت نفس است.

آداب بندگی، آداب زیارت، آداب قرائت قرآن، آداب پدری، آداب مادری، آداب همسری، آداب عیادت، آداب سفره و ...

- النفسُ مَجْبُولَةٌ عَلَى سُوءِ الْأَدَبِ وَ الْعَبْدُ مَأْمُورٌ بِمَلَاذِمِهِ حَسَنِ الْأَدَبِ.

۳. ادب، الگویی ست نه آموختنی.

- یادگیری مشاهده‌ای (آلبرت بندورا) بر یادگیری از طریق عملکرد مربی تاکید دارد، نه کلام مستقیم.

- کونوا دعاه صامتین ... تعملون بما أمرناکم به من طاعه الله؛ و تنتهون عما نهیناکم عنه و معاصیه؛ فإذا رأى الناس ما أنتم علیه، علموا فضل ما عندنا؛ فسارِعوا إليه.

ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

خشک ابری که بود ز آب تهی ناید از وی صفت آب دهی

- مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ ...

- روش‌های انتقال الگو: الف. الگودهی (الگوگیری) ب. الگو سازی

- داستان هم‌راهی امیرالمومنین علیه‌السلام با مرد اهل کتاب در زمان خلافت ایشان.

- داستان وضو گرفتن امام مجتبی و امام حسین علیهما السلام برای پیرمرد.
- داستان واکنش‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در برابر رفتار بسیار زشت مشرکین
- داستان واکنش حضرت باقر علیه السلام در برابر مردی که به ایشان و مادرشان توهین کرد.
- ج. الگو زدایی: لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی ادبان! هر چه از ایشان در نظرم ناپسند آمد از فعل آن پرهیز کردم.

● قواعد تربیت الگویی:

۱. اول جذب بعد نفوذ
 ۲. کاهش کلام و افزایش عمل
 ۳. همسویی و هماهنگی والدین در منطق تربیتی
 ۴. دعا
- سطوح ادب آموزی: دانستیم که از اصلی‌ترین روش‌های انتقال آداب، الگودهی ست. این الگوها باید در مراتب خود مراعات شود:

الف - ادب و حیا در برابر باریتعالی

ب - ادب و حیا در برابر امام عصر علیه السلام

ج - ادب و حیا در برابر پدر و مادر

د - ادب و حیا در برابر همسر

ه - ادب و حیا در برابر همکار و دوست و اقوام و ...

و - ادب و حیا در برابر فرزند

مصادیق :

● راهکارهای افزایش نور عقل:

الف - افزایش سن و تکرار و طولانی شدن تجربه‌ها: اذا شاب العاقل، شبّ عقله. / اذا شاب الجاهل، شبّ جهله. / (قاعده مجازات در تربیت)

ب - ادب: - **ذَكَرَ عَقْلَكَ بِالْأَدَبِ كَمَا تُذَكِّي النَّارَ بِالْحَطَبِ.**

عقل خود را به ادب افروخته کن چنانکه آتش به چوب افروخته گردانیده می شود.

مراد این است که آموختن آداب و بکار بردن آنها باعث افروختگی عقل و تندی و زیادتی آن می گردد مانند آتش که به چوب افروخته می شود.

ج - ذکر: اعم از یاد خدا، یاد اهل بیت و یاد مرگ و معاد: **مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ أَحْيَى قَلْبَهُ وَ اسْتَنَارَ عَقْلُهُ وَ لُبُّهُ.**

د - زهد در دنیا: **مَنْ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنْ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْعَقْلَ**

هر که بخششهای دنیا را ترک کند پس بتحقیق که عقلش را کامل کرده ، یعنی هر که به زخارف دنیا اعتنا نکند و به مال و منصب دنیوی قدر و قیمتی نگذارد و به دنبال اعتبارات هواپرستانه آن نرود او فردی ست که عقل او به حد کمال رسیده است.

ه - پیروی از حق: لا يكمل العقل الا بالتابع الحق. / تواضع للحق، تكن اعقل الناس.

و - همنشینی با عالم و حکیم: من ترک الاستماع من ذوی العقول، مات عقله.

ز - تقوی و مجاهده با نفس: **جَاهِدْ شَهْوَتَكَ وَ غَالِبْ غَضَبَكَ وَ خَالِفْ سُوءَ عَادَتِكَ تَزُكُّ نَفْسُكَ وَ يَكْمُلُ عَقْلُكَ وَ تَسْتَكْمِلُ ثَوَابَ رَبِّكَ.**

ح - خوراکی ها: دهن، ذبّاء (کدو)، گلابی، کرفس، لُبّان (کندر)، سرکه، آب.

• مصادیق ادب در زندگی:

مولانا الرضا علیه آلاف التحية و الثناء می فرمایند:

عقل هیچ فرد مسلمانی کامل نگردد تا برخوردار از ده خصلت شود:

۱. به خیر او امید باشد،
۲. و از شرش ایمنی،
۳. خوبی و خیر دیگران را بسیار شمارد،
۴. و خیر بسیار خود را اندک و ناچیز،
۵. نه از مراجعه نیازمندان به خود خسته شود،
۶. و نه در طول عمر از طلب و تحصیل علم و دانش ملول و خسته گردد،
۷. فقر در راه خداوند از توانگری در غیر راه حق،

۸. و خواری در راه حقّ از سربلندی در راه دشمن خدا نزد او محبوبتر است،

۹. نزد او؛ گمنامی از شهرت مطلوبتر است،

سپس آن حضرت علیه السّلام افزود: دهم و چه دهمی؟

پرسیدند: آن چیست؟ فرمود: کسی را نبیند جز آنکه گوید: او از من بهتر و پرهیزگارتر است، همانا مردمان [در نزد او] دو دسته‌اند: یکی بهتر و پرهیزگارتر از او، و دیگری بدتر و پست‌تر از او، پس چون با بدتر و پست‌تر از خود برخورد کند گوید: شاید نیکی و خیرش در باطن است، که آن بخیر او است، و خیر و خوبی من آشکار است که آن به شرّ من است. و هر گاه با کسی که از او بهتر و پرهیزگارتر است برخورد کند در برابرش تواضع نماید تا بدو ملحق گردد، پس هر گاه چنین کند مجد و بزرگواریش بالا گیرد و خیرش پاک و دلپسند، و نامش نیکو شود، و آقا و سرور مردم عصر خود گردد. (تحف العقول / ترجمه جعفری، ص: ۴۱۷)